

تحلیل نقش فلسفه برای کودکان بر سلامت روان و هوش هیجانی کودکان

معصومه خنکدار طارسی^۱

استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل نقش فلسفه برای کودکان بر سلامت روان و هوش هیجانی کودکان است. روش پژوهش، مرور روایتی (Narrative Review) می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای شامل مقالات و مطالعات مرتبط می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فلسفه برای کودکان از طریق تفکر انتقادی و خودآگاهی، تأثیرات مثبت بسیاری داشته و باعث افزایش خلاقیت، عمیق شدن در موضوعات، ایجاد روحیه پرسشگری، افزایش تعامل، کاهش اضطراب و افزایش عزت نفس می‌شود. فلسفه برای کودکان دارای اختلال روانی، با پرورش توانایی مدیریت هیجانات و یادگیری بهتر مفاهیم، افزایش انعطاف‌پذیری روانی و بهبود عملکرد اجتماعی را به همراه داشته که در نهایت سلامت روان را تقویت می‌کند و با توجه به بُعد مراقبتی، سهم قابل توجهی در رشد هوش هیجانی دارد. این برنامه از طریق تقویت مهارت‌های خودآگاهی، تفکر انتقادی و همدلی، سهم بسزایی در افزایش سطح هوش هیجانی و متغیرهای روانشناختی از جمله خودتنظیمی هیجانی کودکان دارد. با اثربخش بودن فلسفه برای کودکان و تأثیر آن بر بهداشت سلامت روانی کودکان، به نظر می‌رسد این برنامه برای مداخلات ذهن آگاهی می‌تواند به عنوان جایگزین مناسب قرار گیرد. تأکید بر گفتگو و مباحثه با همسالان در این برنامه، سبب ایجاد پیامدهای مثبت و هوشیارتر شدن افراد نسبت به یادگیری و تفکر می‌شود. لذا این پژوهش، ضرورت ادغام p4c در نظام آموزشی را به عنوان راهکاری برای ارتقای سلامت روان و توانمندی‌های هیجانی کودکان توصیه می‌نماید.

واژگان کلیدی: تحلیل، فلسفه کودکان، سلامت روان، هوش هیجانی، کودکان

^۱ نویسنده مسئول: khonakdar@uma.ac.ir

مقدمه

دوران کودکی یکی از حیاتی‌ترین و تاثیرگذارترین مراحل زندگی به شمار می‌رود، زیرا در همین دوره است که شخصیت فرد شکل می‌گیرد و بنیان آن گذاشته می‌شود. بسیاری از مشکلات رفتاری و ناسازگاری‌هایی که بعدها در زندگی ظاهر می‌شوند، ریشه در کم‌توجهی به این دوران حساس و نبود راهنمایی مناسب در مسیر رشد و تکامل دارند (کورک، ۲۰۱۷: ۲۳۷). فلسفه در معنای فلسفه ورزی و پرسیدن سوالات اساسی درباره ماهیت چیزها، می‌تواند به کودکان کمک کند تا ابعاد مختلف زندگی خود را ارزیابی و داوری کنند. در واقع از طریق فلسفه ورزی، کودکان ابعاد زندگی خود را تشخیص می‌دهند و گزینه‌های مختلفی را که با آن مواجه هستند را شناسایی می‌کنند (جعفری هرندي، ۲۰۲۴: ۲۹). یکی از مهمترین حوزه‌های آموزش فلسفه، تقویت مهارت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان است که با عنوان فلسفه برای کودکان شناخته می‌شود. این روش، فضایی فراهم می‌کند تا کودکان با کاوش و چالش، توانایی تفکر عمیق، کار گروهی، ایده‌پردازی را آموخته و حس اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری اخلاقی آن‌ها تقویت شود. برخلاف روش‌های سنتی، این رویکرد بر پرسشگری تمرکز دارد و ارتباطی پویا بین معلم و دانش‌آموز ایجاد می‌کند. معلم با تقویت تفکر خلاق و نقادانه، رشد شخصیتی و ذهنی کودکان را هدایت می‌کند (هدایتی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). یکی از اهداف روان‌شناسی کودکان، آماده‌سازی آن‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی در سایه سلامت روان است. سلامتی حالتی است که در آن بهزیستی کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی فرد برقرار باشد نه اینکه صرفاً بیماری نداشته باشد. در بحث سلامت روان می‌توان بیان کرد که کودکانی که از تنهایی رنج می‌برند، پیامدهای ناخوشایندی مانند خلق و خوی و خودکارآمدی اجتماعی پایین را تجربه کرده و همچنین احتمال بیشتری دارد که در افسردگی غرق شوند (ارزن، ۲۰۱۸: ۴۲۹). مشکلات سلامت روان در کودکان بسیار پیچیده است. بسیاری از این مشکلات روانشناختی شامل: استرس، قلدری، اعتیاد به بازی یا اینترنت، اختلالات عاطفی (اضطراب، افسردگی، ناامیدی، خشم)، خودکشی و خودآزاری می‌شود (هو، ۲۰۱۹). در بحث سلامت روان، افسردگی یک اختلال روانی رایج است که با غم و اندوه مداوم و عدم علاقه یا لذت بردن از فعالیت‌های قبلاً مفید یا لذت‌بخش مشخص می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده که افسردگی با عوارض قابل توجه فعلی و آینده مرتبط است و خطر خودکشی در کودکان را افزایش می‌دهد (ویندرواتی، ۲۰۲۲: ۳۷). همچنین شواهد تحقیقاتی نشان می‌دهد که حتی تنهایی کودکان می‌تواند منجر به رفتارهای ضد اجتماعی مانند اعتیاد و پریشانی روانی در آن‌ها شود. به اعتقاد لامستر حتی تنهایی می‌تواند منجر به پارانوئیا شود (لامستر، ۲۰۱۷: ۵۲). فلسفه برای کودکان بسیار به دیدگاه اجتماعی-فرهنگی ارائه شده توسط ویگوتسکی نزدیک است. ویگوتسکی نظریه اجتماعی-فرهنگی را با این باور توسعه داد که تفکر و گفتار با یکدیگر مرتبط هستند. در دیدگاه تأیید شده که روابط اجتماعی و گفتگو بین دو نفر نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شناخت و تفکر دارد (کرین، ۲۰۱۵). تفکر انتقادی یکی از روش‌های تفکر است. تفکر انتقادی حداقل ۲ بعد عاطفی و شناختی داشته و کلید هوش هیجانی بوده و تنها وسیله ممکن است که می‌توان از طریق آن هوش را به زندگی هیجانی خود وارد کرد (حسن پور، ۲۰۱۸: ۱). هوش هیجانی عبارتند از آگاه بودن از احساسات و عواطف خود و دیگران، تمایز قائل شدن بین آن‌ها و کاربرد این اطلاعات در جهت راهنمایی تفکر و عمل فرد (عابدی، ۱۳۹۷: ۱۳۲). به اعتقاد ادیو ۱۶

2 Kork

3 Philosophy for children (p4c)

4 Ezen

5 -Who

6 Wdarwati

7 -Lamster

8- Paranoia

9 Crain

1 -Critical thinking

0

1 Aigwe

1

هوش هیجانی ارتباط مثبتی با پیشرفت و موفقیت تحصیلی دارد (ادیو، ۲۰۱۵: ۸۵). در برنامه فلسفه برای کودکان و بخصوص اجتماع پژوهشی، محتوای گفتگوها می تواند باعث تحریک حالات عاطفی متعدد شود. بنابراین توجه به ابعاد عاطفی در این برنامه، می تواند عاملی اثرگذار در رشد هوش هیجانی باشد (فیشر، ۲۰۱۵). آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان دارای اختلال روانی، یادگیری بهتر مفاهیم، افزایش انعطاف پذیری روانی و بهبود عملکرد اجتماعی را به همراه دارد که در نهایت سلامت روان را تقویت کرده و سبب افزایش هوش هیجانی در آنها می شود (محمدی، ۱۴۰۰: ۶۵). با توجه به مطالب عنوان شده، پژوهش حاضر به دنبال تحلیل نقش فلسفه برای کودکان بر سلامت روان و هوش هیجانی کودکان می باشد.

مبانی تحقیق

شاخه‌ای از فلسفه که به رشد قدرت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان می‌پردازد، رویکرد آموزشی فلسفه برای کودکان است. این برنامه علاوه بر پرورش قدرت تفکر و تعمق در مسائل، با ایجاد فرصت‌هایی برای کاوش جذاب پیرامون مسائلی که ذهن کودکان را به خود مشغول کرده است، منجر به تفکر تأملی، تفکر مشارکتی، حس کفایت در تولید و توسعه ایده‌ها و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در کودکان می‌شود و از تحقیر آنها جلوگیری می‌کند. دوران کودکی دوره‌ای حیاتی است که عناصر و تجربیات عصبی-زیستی با هم ترکیب می‌شوند تا بر مغز در حال رشد طبیعی و به طور دائم بر رفتار، تأثیر بگذارند. علاوه بر این، مطالعات نشان داده‌اند که در طول این بازه زمانی، قشرهای ارتباطی به صورت ساختاری و عملکردی به شیوه‌ای وابسته به تجربه به رشد خود ادامه می‌دهند (خداقلی، ۲۰۲۵: ۵۵۲). به طور خلاصه، همزمانی رشد شناختی و افزایش مواجهه با تجربیات محیطی، نشان‌دهنده یک دوره بحرانی رشد برای شکل‌دهی شخصیت و رفتارهای کودکان از طریق آموزش است. در میان تمام رویکردهای آموزشی، فلسفه برای کودکان به عنوان یک روش مؤثر معرفی شده است که دارای مزایای مختلف آموزشی، شناختی و رفتاری، مانند بهبود عملکردهای اجرایی و عملکرد تحصیلی است (آب وهاب، ۲۰۲۲). این روش همچنین پتانسیل تأثیرگذاری مثبت بر معلمان (که به عنوان تسهیل‌گر شناخته می‌شوند) و از نظر حرفه‌ای و عاطفی و همچنین ایجاد تغییرات سازنده در دانش‌آموزان را دارد (لام، ۲۰۲۱: ۶۴۳). از جمله مهمترین مشکلات سلامتی و بیماری‌های روانی مانند عدم تمرکز، ناسازگاری عاطفی، خستگی روانی، کاهش اشتیاق به کار و غیره است. وجود بیماری‌های روانی در جوامع پیشرفته تأیید شده است. سلامت عمومی حالتی از رفاه است که در آن فرد توانایی‌های خود را می‌شناسد، قادر به سازگاری با استرس‌های معمول زندگی است، در کار خود مفید و سازنده است و به عنوان عضوی از جامعه با دیگران همکاری می‌کند. گلدبرگ سلامت روان را به عنوان توانایی برقراری ارتباط هماهنگ با دیگران، بهبود و تغییر محیط شخصی و اجتماعی خود و حل تعارضات و علایق شخصی به شیوه‌ای متعادل و مناسب می‌داند (شهرآکی پور، ۲۰۲۱: ۲). شیوع اختلالات روانی در طول دهه گذشته افزایش یافته و مشکلات سلامت روان در میان نوجوانان، به ویژه اضطراب و افسردگی، به یک نگرانی رو به رشد در حوزه سلامت عمومی تبدیل شده است (مارچسلی، ۲۰۱۸: ۱۸۱۵). این مشکلات در سطح بین‌المللی با طیف وسیعی از پیامدهای نامطلوب مرتبط هستند، از جمله افزایش خطر افسردگی و اضطراب در بزرگسالی و همچنین عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر، نتایج تحصیلی و شغلی ضعیف‌تر و چالش‌هایی در ایجاد و حفظ روابط (مک کاردی، ۲۰۲۱: ۲). مسائل مربوط به سلامت روان و تأثیرات آن بر موفقیت تحصیلی و پشتکار، برای همه دست‌اندرکاران مدرسه و والدین جوانان از اهمیت اساسی برخوردار است. دهه‌ها تحقیق در روانشناسی، آموزش و فلسفه، مزایای متعددی را نشان داده است که از ارضای بیشتر

1	Fsher	2
1	Ab Wahab	3
1	Iam	4
1	Mcheselli	5
1	McCurdY	6

نیازهای اساسی روانشناختی در کودکان، به‌ویژه در رابطه با سلامت روان، رفاه و موفقیت تحصیلی کلی، ناشی می‌شود. با توجه به این واقعیت که کودکان بیشتر وقت خود را در محیط مدرسه می‌گذرانند، برنامه‌های مبتنی بر مدرسه به عنوان گزینه‌ای امیدوارکننده برای ارتقای رفاه و افزایش ارضای نیازهای اساسی روانشناختی، ضمن جلوگیری از ایجاد شاخص‌های منفی سلامت روان مانند اضطراب و افسردگی در جوانان پیشنهاد شده‌اند. به عبارت دیگر، فلسفه برای کودکان، یک رویکرد مبتنی بر مدرسه که با هدف توسعه ظرفیت کودکان برای تفکر مستقل انجام می‌شود، نویدبخش توانایی خود در تأثیر مثبت بر رفاه و جلوگیری از اضطراب و افسردگی می‌باشد. این برنامه تأثیر کلی متوسط، اما مثبتی بر توانایی‌های یادگیری و استدلال دانش‌آموزان دارد. مطالعات به طور کلی نشان داده‌اند که فلسفه برای کودکان تأثیر مثبتی بر پیامدهای روانشناختی مانند خودکفایی، گشودگی انتقادی و شک نسبی و همچنین عزت نفس، تاب‌آوری و شادی دارد (مالبوئف، ۲۰۲۷). این برنامه همچنین بر کاهش تحریف‌های شناختی و بهبود شایستگی ادراک شده (شناختی، اجتماعی و جسمی) کودکان تأثیر می‌گذارد. شایستگی ادراک شده از مهم‌ترین متغیرهایی است که بر سلامت روان کودکان تأثیر گذاشته که بسیاری از محققان، آن را سنگ بنای رشد اجتماعی و عاطفی کودکان می‌دانند. به اعتقاد ونترل، ادراک شایستگی بر کیفیت روابط بین فردی با همسالان اثرگذار بوده و عدم شایستگی به احساس تنهایی و عدم پذیرفته شدن از سوی گروه همسالان منجر می‌شود (ونترل، ۲۰۱۹: ۵۷). این برنامه از گفتگوی سقراطی استفاده می‌کند و با تشکیل یک جامعه پرسشگری، کودکان را به بحث‌های گروهی دعوت می‌کند. جوامع پرسشگری دارای ویژگی‌هایی مانند تأمل غیرخصمانه، شناخت مشترک، توسعه و ارتقای سواد، فرهنگ و تخیل فلسفی، تقویت توانایی خواندن و درک عمیق متون مبتنی بر گفتگو و لذت بردن از آنها هستند. لذا این برنامه با ایجاد تغییرات در دیدگاه کودک نسبت به خویش و افزایش توانمندی در سازش با انواع موقعیتهای پر چالش و تنش را می‌تواند در برابر پیامدهای ناشی از اختلالات روانی موثر بوده و سبب کاهش آسیب پذیری روانی در کودکان شود. هوش هیجانی نیز به مجموعه تواناییهایی اطلاق می‌شود، که پردازش اطلاعات درباره هیجانات فرد و دیگران را امکانپذیر کرده، موجب افزایش میزان اعتماد به نفس و شجاعت می‌شود و در رویدادهای استرس زا، همچون مواجهه با حوادث ناخوشایند زندگی و مشکلات خانوادگی، نقش تعدیل کننده ایفا می‌کند (رحمانیان، ۱۴۰۴: ۷). آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد خودآگاهی متعالی و تجربیات معنوی و هیجانی کودکان موثر می‌باشد. تلاش مداوم انسان برای پاسخ به چرایی‌های زندگی زمانی است که مهارت‌های آن را در کودکی آموخته باشد (مقیمی، ۲۰۲۳: ۱۴۱). گلمن (۱۹۹۸) هوش عاطفی را به عنوان ظرفیت درک احساسات خود و دیگران، تشویق خود، کنترل احساسات خود و مدیریت مناسب روابط تعریف می‌کند. هوش عاطفی از چهار توانایی تشکیل شده است. این توانایی‌ها شامل توانایی درک صحیح، ارزیابی و بیان احساسات، توانایی تحریک یا دستیابی به احساساتی است که روند تفکر را تسهیل می‌کنند، توانایی درک احساسات و علم احساسات و توانایی کنترل احساسات به منظور ارتقاء رشد احساسات و عقلانیت است. به عقیده گلمن، فلسفه برای کودکان بر متغیرهای روانشناختی از جمله خودتنظیمی هیجانی و هوش هیجانی موثر می‌باشد (کم، ۲۰۱۴: ۱۲۰۴). این برنامه با استفاده از داستان‌های فلسفی برای مخاطب قرار دادن جمعی کودکان، نقش مهمی در هوش هیجانی و پیشرفت کودکان دارد (عباسی، ۲۰۱۶). به اعتقاد هویدا، ارائه داستان‌های قرآنی نیز بر چهار جنبه هوش هیجانی یعنی درک احساسات و عواطف خود و دیگران، کنترل احساسات و عواطف، مهارت‌های اجتماعی، مثبت‌اندیشی و دیدگاه مثبت، تأثیرگذار می‌باشد (هویدا، ۱۳۸۹). همچنین به طور قابل توجهی بر هوش هیجانی، مهارت‌های بین فردی و مهارت‌های سازگاری کودکان نیز موثر است (حاتمی، ۱۳۸۹). خدقلی (۲۰۲۵)

1	Malboeuf	7
1	Witzel	8
1	Gleman	9
2	Gan	0

پژوهشی تحت عنوان «نگاهی به فلسفه برای کودکان و پیامدهای آن از دریچه علوم اعصاب» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که در بخش سلامت روان، جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی می‌توانند از جنبه‌های خاصی بر اثربخشی فلسفه برای کودکان تأثیر بگذارند. لذا فلسفه برای کودکان مزایای امیدوارکننده‌ای را برای جمعیت‌های مختلف نشان داده اما متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن و وضعیت اقتصادی-اجتماعی ممکن است تأثیر آن را تعدیل کنند.

اونال (۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر فعالیت‌های فلسفه برای کودکان (P4C) بر رشد ادراک اخلاقی و قواعد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی» انجام داده است. نتایج پژوهش بیانگر تفاوت قابل توجهی بین ادراک قانون اخلاقی و قانون اجتماعی کودکان پس از جلسات (P4C) بود. بهبود قابل توجهی در رشد شناختی و اجتماعی-عاطفی مشاهده شد. مشخص شد که رفتارهای مثبت، به ویژه در موقعیت‌های اخلاقی که نیاز به تحمل دارند، در گروه آزمایش بهبود یافته است. این مطالعه به این نتیجه رسید که آموزش فلسفه به کودکان به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی خود را افزایش دهند. چوب فروش زاده (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «اثربخشی آموزش فلسفه بر انعطاف‌پذیری شناختی و مهارت‌های استدلال در کودکان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه فلسفه برای کودکان با ایجاد فرصت کاوشگری جذب پیرامون موضوعات مختلف، باعث پرورش قدرت تفکر انتقادی، تفکر تاملی، تفکر مشارکتی و مانع از احساس کهنتری کودک می‌شود. فتحی آذر (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار» نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، پنهان کاری کودکان کار را کاهش داده و سازش کاری و تحمل آنها را افزایش می‌دهد.

ایشیکلار (۲۰۲۳) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان (P4C) بر تفکر انتقادی از طریق کندوکاو فلسفی و مهارت‌های حل مسئله» انجام داده است. نتایج تجزیه و تحلیل تفاوت معناداری را بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر دو گروه از نظر مهارت‌های تفکر انتقادی گروه‌های آزمایش از طریق کندوکاو فلسفی در مقایسه‌های درون گروهی نشان داد. اگرچه میانگین نمره پس‌آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی گروه آزمایش از طریق کندوکاو فلسفی بالاتر از گروه کنترل بود، اما تفاوت آماری معنی‌داری بین آنها مشاهده نشد. با توجه به مقایسه مهارت‌های حل مسئله در گروه‌ها، تفاوت معنی‌داری بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر دو گروه مشاهده شد. زراعت کار (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله به روش داستان گویی بر سطوح مختلف پرخاشگری دانش آموزان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که داستانها به دلیل جذابیت محتوایی و بار هیجانی به راحتی به یاد آورده شده و توجه آزمودنی‌ها را به خود جلب می‌کنند و باعث می‌شوند که جلسات درمان، جذابیت بیشتری برای کودک داشته باشد. کبیری (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «اثربخشی برنامه «فلسفه برای کودکان» با غنی‌سازی فناوری‌های دیجیتال بر تحریف‌های شناختی و شایستگی ادراک‌شده کودکان پسر بی‌سرپرست و بدسرپرست» انجام داده است. یافته‌های این پژوهش در راستای سایر پژوهش‌های انجام شده، بیانگر نقش مثبت استفاده از فناوریهای دیجیتال در برنامه فلسفه برای کودکان به منظور کاهش تحریف‌های شناختی و بهبود ادراک شایستگی کودکان بود. عابدی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «ارائه مدل مفهومی از رابطه فلسفه برای کودکان (با تأکید بر بُعد تفکر مراقبتی) و هوش هیجانی» نشان داد که تفکر مراقبتی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر (P4C) دارای ابعاد شناختی، عاطفی و عملی است و شامل فعالیت‌هایی مانند تعریف و تمایز اصطلاحات و مفاهیم عاطفی، تجربه احساسات مختلف، کاوش احساسات، بررسی رابطه بین احساسات و قضاوت‌ها، رویکردها و موقعیت‌ها، توجه و ارزش‌گذاری، همدلی، تجربیات اخلاقی و اجتماعی، حمایت عاطفی و تسهیل است. این فعالیت‌ها با چهار حوزه هوش هیجانی، یعنی درک و بیان احساسات، تسهیل تفکر از طریق احساسات، درک و تنظیم مؤثر آنها، همسو هستند؛ به طوری که توانایی‌های مرتبط با حوزه‌های هوش هیجانی، به موازات آموزش تفکر مراقبتی، رشد می‌کنند. عباسی (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر

داستان‌های فلسفی بر هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم» نشان داد که داستان‌های فلسفی به طور معنی‌داری در بهبود هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در درس علوم در بین دانش‌آموزان پایه دوم مدارس شاهد شهر بیرجند نقش دارند. بنابراین، می‌توان گفت که استفاده از داستان‌های فلسفی، دانش‌آموزان را به تحصیل علاقه‌مند می‌کند و وضعیت تحصیلی آنها را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، معلمان می‌توانند هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهند.

روش تحقیق

این پژوهش به دنبال تحلیل نقش فلسفه برای کودکان بر سلامت روان و هوش هیجانی کودکان است. در این پژوهش از روش مرور روایتی (Narrative Review) استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای شامل مقالات و مطالعات مرتبط می‌باشد.

یافته‌ها

یکی از اهداف مهم اکثر سیستم‌های آموزشی، تفکر و بهبود توانایی تفکر است. کودکان نیاز به درک جهان دارند و به طور طبیعی در مورد محرک‌های اطراف خود کنجکاو هستند. برای معنا بخشیدن به جهان، آنها به اطلاعاتی در مورد تجربیات خود، پردازش آنها و پاسخ به آنها نیاز دارند. شارپ^۳ معتقد است که از آنجا که کودکان از داستان‌ها لذت می‌برند، می‌توان از آنها برای تشویق کودکان به تفکر، پرسیدن سوال، بهبود پیشرفت تحصیلی و هوش هیجانی و ایجاد انگیزه استفاده کرد (شارپ، ۱۹۹۳). یکی از راه‌های پرورش تفکر که در چند دهه اخیر مطرح شده است، آموزش فلسفه به کودکان با هدف آموزش روش‌های تفکر، استدلال و حل مسئله به آنهاست. فلسفه برای کودکان کاربردی‌ترین گرایش فلسفی است که به نیاز اساسی و جهانی پاسخ می‌دهد. یکی از اهداف روان‌شناسی کودکان، آماده‌سازی آنها برای زندگی فردی و اجتماعی در سایه سلامت روان است. در طول دوره کودکی حالت‌هایی نگران‌کننده برای کودکان رخ می‌دهد که می‌تواند پیامدهای منفی برای سلامت روان داشته باشد (کامپاین، ۲۰۱۹۲۴). عدم سلامت روانی می‌تواند عواقب ناخوشایندی مانند خلق پایین، خودکارآمدی اجتماعی پایین، افسردگی را به همراه داشته باشد. همچنین، این موضوع با مشکلات روانی مانند استرس، اضطراب، افسردگی، افکار خودکشی و عزت نفس پایین و حتی با مشکلات جسمی مانند فشار خون و مشکلات اخلاقی نیز مرتبط است (هو، ۲۰۱۹). مطالعات به طور کلی نشان داده‌اند که فلسفه برای کودکان تأثیر مثبتی بر پیامدهای روانشناختی مانند خودکفایی، گشودگی انتقادی، شک‌نسبی و همچنین عزت نفس، تاب‌آوری و شادی دارد (مالبوئف، ۲۰۲۰). این برنامه همچنین بر کاهش تحریف‌های شناختی و بهبود شایستگی ادراک شده (شناختی، اجتماعی و جسمی) کودکان تأثیر می‌گذارد. تلاش مداوم انسان برای پاسخ به چرایی‌های زندگی زمانی است که مهارت‌های آن را در کودکی آموخته باشد (مقیمی، ۲۰۲۳: ۱۴۱). لذا برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد خودآگاهی متعالی و تجربیات معنوی و هیجانی کودکان می‌تواند موثر واقع شود. به اعتقاد ادیو، هوش هیجانی نیز ارتباط مثبتی با پیشرفت و موفقیت تحصیلی دارد (ادیو، ۲۰۱۵: ۸۵). در برنامه فلسفه برای کودکان و بخصوص اجتماع پژوهشی، محتوای گفتگوها می‌تواند باعث تحریک حالات عاطفی متعدد شود. بنابراین توجه به ابعاد عاطفی در این برنامه، می‌تواند عاملی اثرگذار در رشد هوش هیجانی (فیشر، ۲۰۰۵) و بر متغیرهای روانشناختی از جمله خودتنظیمی هیجانی کودکان باشد (کم، ۲۰۱۴: ۱۲۰۴). این برنامه با استفاده از داستان‌های فلسفی برای مخاطب قرار دادن جمعی

کودکان، نقش مهمی در هوش هیجانی و پیشرفت کودکان دارد (عباسی، ۲۰۱۶). به اعتقاد هویدا، ارائه داستان‌های قرآنی نیز بر چهار جنبه هوش هیجانی یعنی درک احساسات و عواطف خود و دیگران، کنترل احساسات و عواطف، مهارت‌های اجتماعی، مثبت‌اندیشی و دیدگاه مثبت، تاثیرگذار می‌باشد (هویدا، ۱۳۸۹). همچنین به طور قابل توجهی بر هوش هیجانی، مهارت‌های بین فردی و مهارت‌های سازگاری کودکان نیز موثر است (حاتمی، ۱۳۸۹).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین مراحل زندگی، دوران کودکی است که در آن شخصیت فرد پایه ریزی شده و شکل می‌گیرد. بنابراین با آموزش مهارت‌های اساسی به کودکان فرصت‌های زیادی برای ایجاد توانایی‌های گوناگون شناختی و اجتماعی در رویارویی با موقعیتها در آنها ایجاد می‌شود و باعث می‌شود تا به فرد موثر و سازنده‌ای تبدیل شوند. بنابراین برنامه فلسفه برای کودکان به توسعه مهارت‌های اجتماعی، مانند ارتباط بصری یا رشد کلامی، اشتیاق به تبادل نظر با دیگران و در نهایت بر سلامت روان و هوش هیجانی کمک می‌کند. این برنامه یک استراتژی آموزشی است که تأثیر قابل توجهی بر شناخت، احساسات و توانایی‌های کودکان دارد. انعطاف پذیری شناختی در حوزه سلامت روان از جمله مواردی است که با بهزیستی روانی و همچنین با افسردگی، اضطراب و مشکلات روانی رابطه مثبت داشته لذا، فلسفه برای کودکان با تقویت مهارت‌های فکری و رفتاری، سبب بهبود خودتنظیمی هیجانی و هوش هیجانی در کودکان می‌شود. همچنین این برنامه منجر به بروز هیجانات کودکان شده و آنها را در حل مسائل سازشی و اطلاعات هیجانی توانمند می‌سازد. استفاده از فلسفه برای کودکان موجب تعدیل و تنظیم ابرازات هیجانی شده تا در برابر هیجانات مزاحم، واکنش نشان دهند. عدم فهم مفاهیم انتزاعی برای کودکان در این دوره، می‌تواند راه را برای اصلاحات اساسی در نظام آموزشی هموار ساخته و با قرار دادن برنامه فلسفه به کودکان در دوره‌های آموزشی پایه، در نهایت به ایجاد جذابیت بخشی، اشتیاق و علاقه بیشتر کودکان و ارتقای سلامت روان و توانمندی‌های هیجانی کودکان ختم شود.

منابع

- چوب فروش زاده، آزاده، صابری فرد، محمد، محمدپناه اردکان، عذرا، شیروی، الهه (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش فلسفه بر انعطاف پذیری شناختی و مهارت‌های استدلالی در کودکان، فصلنامه سلامت روان کودک، دوره دهم، شماره ۱.
- حاتمی، حمیدرضا، کریمی، یوسف. و نوری، زهرا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اجرای دوره «فلسفه برای کودکان» بر افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان پایه اول دبستان شهدای آزادی تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ فصلنامه تفکر و کودکان، سال اول، شماره ۲.
- رحمانیان کوشککی، محمود، زارعی جلیانی (۱۴۰۴). روش و آثار آموزش فلسفه بر تقویت مبانی در کودکان و آثار دین شناختی و روانشناختی آن، فصلنامه الهیات عقلی، شماره ۲.
- زراعت کار، هانیه، مرادی، علیرضا (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله به روش داستان گویی بر سطوح مختلف پرخاشگری دانش‌آموزان، فصلنامه سلامت روان کودک، دوره ششم، شماره ۲.
- عابدی، منیره، نوروزی، رضاعلی، حیدری، محمد حسین، مهرابی، حسینعلی (۱۳۹۷). ارائه مدل مفهومی ارتباط فلسفه برای کودکان (با تاکید بر بعد تفکر مراقبتی و هوش هیجانی). فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هفدهم، شماره ۶۵.
- فتحی آذر، اسکندر، تقی پور، کیومرث، حاج آقایی خیابانی، آيسان (۱۳۹۸). تاثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خود تنظیمی هیجانی کودکان کار، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره ۲.

کبیری، علی اکبر، واحدی، مهدی (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه «فلسفه برای کودکان» با غنی سازی فناوری های دیجیتال بر تحریف های شناختی و شایستگی ادراک شده کودکان پسر بی سرپرست و بدسرپرست، فصلنامه علوم روانشناختی، دوره بیست و یکم، شماره ۱۱۰.

محمدی، پیرانی، ذبیح، زنگنه مطلق. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان برانعطاف پذیری روانشناختی و عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی. فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

هدایتی مهرنوش، قائد یحیی، شفیع آبادی عبدالله، یونسی غلامرضا (۱۳۸۹). کودکان متفکر، روابط میان فردی موثر (مطالعه تحقیقی پیرامون تاثیر برنامه «فلسفه برای کودکان» بر ارتباطات اجتماعی کودکان). فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره ۱.

هویدا، رضا، همایی، رضا (۱۳۸۹). تاثیر قصه های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان، فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره یازدهم، شماره ۱.

Abasi, Z, Ajam, A (2016). The Effects of Philosophical Stories on Emotional Intelligence and Educational Progress of Students in Science Lessons. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. Vol 7 No 2. ISSN 2039-2117 (online)

Ab Wahab, M. K., Zulkifli, H., & Abdul Razak, K. (2022). Impact of philosophy for children and its challenges: A systematic review. *Children*, 9(11), 1671. [DOI:10.3390/children9111671] [PMID]

Adigwe J. C. J. (2015). Emotional intelligence and problem-solving achievement of chemistry students. *Journal of Science, Technology & Education (JOSTE)*, 3(1), 95-80.

Cam P. (2014). Philosophy for children, values education and the inquiring society. *Educational Philosophy and Theory*. 46(11), 1203-1211.

Campagne, D. M. (2019). Stress and perceived social isolation (loneliness). *Archives of Gerontology and Geriatrics*.

Crain, W. (2015). *Theories of development: Concepts and applications*: Psychology Press.

Erzen, E., & Çikrikci, Ö. (2018). The effect of loneliness on depression: A meta-analysis. *International Journal of Social Psychiatry*, 64(5), 427-435.

Fisher, R. (2005). *Teaching children to think* (2nd Ed.). Cheltenham: Nelson Thornes Ltd.

Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam.

Hasanpour M, Bagheri M, Ghaedi Heidari F. The relationship between emotional intelligence and critical thinking skills in Iranian nursing students. *Med J Islam Repub Iran*. 2018(18 May); 32:40. <https://doi.org/10.14196/mjiri.32.40>.

Hawkey, L. C. & Cacioppo, J. T. (2010). Loneliness matters: A theoretical and empirical review of consequences and mechanisms. *Annals of Behavioral Medicine*, 40(2), 218–227.

Işıklar, S., Öztürk Y. A (2022). The Effect of Philosophy for Children (P4C) Curriculum on Critical Thinking through Philosophical Inquiry and Problem Solving Skills. *International Journal of Contemporary Educational Research* 9(1) DOI:10.33200/ijcer.942575.

Jafari Harandi, R., Jokar, S., & Setayeshi Azhari, M. (2024). Effectiveness of Philosophy for Children on their Loneliness. *Iranian Journal of Learning and Memory*, 6(24), 28-36. <https://doi.org/10.22034/iepa.2024.422920.1454>.

Khodagholi, F., Mousavi, M. S., Ghaedi, Gh., Salarvandian, Sh., Vosoughian, F., & Javadi, M., et al. (2025). Looking at Philosophy for Children and Its Outcomes Through a

- Neuroscience Lens. Basic and Clinical Neuroscience, 16(3), 551-568.
<http://dx.doi.org/10.32598/bcn.2024.6110.1>
- Kork S. Y., Gu, M., & Cheung, A. P. (2017). A longitudinal study of the role of children's altruism and forgiveness in the relation between parental aggressive discipline and anxiety of preschoolers in China. *Child abuse & neglect*, 65, 236-247.
- Lam, C. M. (2021). The impact of philosophy for children on teachers' professional development. *Teachers and Teaching*, 27(7), 642-655.
 [DOI:10.1080/13540602.2021.1986693].
- Lamster F., Nittel, C., Rief, W., Mehl, S., & Lincoln, T. (2017). The impact of loneliness on paranoia: An experimental approach. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 54, 51-57.
- McCurdy B. H., Scozzafava M. D., Bradley, T., Matlow, R., Weems, C. F., Carrion, V. G. (2022). Impact of anxiety and depression on academic achievement among underserved school children: evidence of suppressor effects. *Current Psychology*.
<https://doi.org/10.1007/s12144-022-03801-9>.
- Malboeuf-Hurtubise, C., Léger-Goodes, T., Mageau, G. A., Joussemet, M., Herba, C., & Chadi, N., et al. (2021). Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. *Progress in Neuro-Psychopharmacology & Biological Psychiatry*, 107, 110260. [DOI:10.1016/j.pnpbp.2021.110260] [PMID].
- Marcheselli, F., et al. (2018). Mental health of children and young people in England, 2017. NHS.
- Moghim, M., Shahnazi, M. (2023). The Effect of Teaching Philosophy for Children on the Growth of Spiritual Intelligence of Sixth Grade Female Students, *Iranian Journal of Educational Sociology*. 6(2): 140-150.
- Unal, M., Gunes, G. (2024). The effect of Philosophy for Children (P4C) activities on the development of moral perception and social rules of preschool children. *Journal of Childhood, Education & Society*. Volume 5, Issue 2, 2024, 238-255. DOI:10.37291/2717638X.202452392.
- Shahrakipour H. (2021). The Effect of Teaching Philosophy to Children on General Health and Anxiety among the Middle School Students in Tehran. *Iranian Journal of Educational Sociology*. 4(1): 1-9.
- Sharp, A. M. (1993). The ethics of translation, critical and creative thinking. *Australasian Journal of P4C*, 1 (1).
- Wentzel, K. R., Tomba, R., Williams, A., & McNeish, D. (2019). Perceptions of competence, control, and belongingness over the transition to high school: A mixed-method study. *Contemporary Educational Psychology*, 56, 55-66. [Link].
- WHO (2019) Adolescent mental health, Fact sheets. Available at: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/adolescent-mental-health> (Accessed: 28 August 2020)
- Windarwati, H. D., Lestari, R., Wicaksono, S. A., Kusumawati, M. W., Ati, N. A. L., Ilmy, S. K., Sulaksono, A. D. and Susanti, D. (2022). Relationship between stress, anxiety, and depression with suicidal ideation in adolescents. *Jurnal Ners*. Volume 17, Issue 1, April 2022, p. 36-41